

ویژه نامه سی و سومین جشنواره
بین المللی فیلم های کودکان و
نوجوانان - شماره دوم
سه شنبه ۲۹ مهر ۱۳۹۹

فصل سه

33th
International Film
Festival for
Children and Youth
Tuesday - 20 Oct 2020

راوی رنج های کودکان

۵

ابراهیم فروزش: به اطراف، سرک بکشیم!

کاش سیخما بلد باشد هنوز رفیق بسازد!

تا رفیقشان را دریا بند؟
چی داشت آن پشت و پسله دوربینش تو که دیدی که صغیر و کبیر آن روزها را
واداشت با تو بدونند؟
لطفاً خوب فکر کن... گمان می‌کنم اگر بتوانی به یاد بیاوری، آن گوشه موشه‌های
پشت دوربین چه وردی می‌خواند عباس آقا که قصه‌اش مانده تا امروز و بگویی
تا من به بهانه بولتن سال بعد اگر زنده بودم بنویسمش، بشود امید داشت که
سینما هنوز بلد است رفیق تولید کند.
زیاده عرضی ندارم عزیز... منتظر دست‌خط می‌مانم.
نمک در نمک‌دان شوری ندارد
دل من طاقت دوری ندارد...
ای نامه که می‌روی به سویش
از جانب من بیوس رویش



احمد احمدپور... سلام
امیدوارم حالت خوب باشد و روزگارت به‌کام.
شاید این دست‌خط را وقتی می‌خوانی که درگیری‌های امروز زندگی‌ات خیلی
بزرگ‌تر از دفتر مشق گم‌شده محمدرضا نعمت‌زاده باشد.
محمدرضا نعمت‌زاده بی‌دفتر هم راه خودش را رفته و یکی‌شان مدت‌هاست
جزء رجال است. نمی‌دانم هم او بود که دخترش را به اشتباه برداشته بودی و برای
بازپس‌دادنش آن همه مصیبت کشیدی یا یکی دیگر؟ چه فرق می‌کند؟
مهم این است که تو هم لابد مثل من داری در این روزگار پراز سختی، پی‌یک
پیاز می‌گردی که قاتق نانت بکنی...
راستش اینکه دستم رفت به قلم تا یادت بکنم، دیدن پوستر جشنواره فیلم‌های
کودکان و نوجوانان اصفهان بود.
یک مرتبه دلم سوخت برای خودم و تو و مابقی هم‌نسلانمان. چه تو که آن تپه
را پی‌خانه محمدرضا هزار بار بالا و پایین کردی، چه امیرو که برای دشت‌کردن
یک‌تکه یخ از هر دونه‌ای دونه‌تر بود.
گفتم به این بهانه یک سفر جادویی بکنم توی زمان و یادی بکنم از آن روزها و
یک چیزی هم بیرسم...
سراغ داری کسی را حالا آن طور مثل تو پا بچیند به کمر تپه و هزار بدبختی بکشد
برای نه حالا دفتر رفیقش، برای جمع‌کردن یک آلبوم تمبر حتی؟
نه اینکه بنالم چرا کسی نیست حالا که مثل آن روزهای تو مؤمن باشد به
گشتن پی‌خانه رفیقش... نه... تو که بهتر می‌دانی کودکی‌های ما همچین آش
دهان سوزی نبود که به یادش دهانمان آب بیفتد، یا بگویم حالا دیگر مرد مثل
تو پیدا نمی‌شود که آن طور رفتار کند... نه...
حرفم این است که برگردیم به آن روزها، باز برمی‌گردی پشته به هر ضرب‌وزوری؟
امید که جوابت بله باشد... اگر نه... سؤال آخر را بیرسم و زیاده وقتت را نگیرم
برادر...
چی داشت عباس آقا کیارستمی که فیلم‌ساز حالا باید داشته باشد تا نشان
بدهد به بچه‌های من و تو، نه یک تپه که راضی باشند به طی‌کردن چند تا پله



نویسنده
سعید محسنی

جزیره فضایی در جشنواره مجازی!

سید جواد هاشمی: خوشحالم که قسمت اول تورنادو نخستین فیلم تاریخ سینمای کودک شد

عباس دلدار، جانشین تهیه‌کننده این فیلم نیز با انتقاد از عدم حمایت از فیلم‌های کودک گفت: «سرمایه‌گذار سرمایه می‌گذارد اما هیچ تبلیغاتی برای فیلم‌ها صورت نمی‌گیرد.» مهرا گنبدلو، تدوین‌گر نیز با اشاره به تدوین این فیلم توضیح داد: «سیدجواد هاشمی پکیج کاملی از سینماست. بیش از نیمی از فیلم جلوه‌های ویژه زیادی داشت که من به عنوان یک تدوین‌گر با آن دست‌وپنجه نرم کردم و تجربه بسیار خوبی برآیم بود.» او گفت: «فیلم «تورنادو» کودکانه است و قاعدتاً ساختار ذهن این مخاطب با مخاطب بزرگسال فرق دارد.» وحید نفر، از بازیگران این فیلم سینمایی نیز با بیان اینکه بازی در این فیلم یکی از سخت‌ترین نقش‌هایی بوده که بر عهده داشته است، گفت: «بعد از سه ساعت و نیم گریم سخت، در لوکیشن‌های مختلف این نقش را بازی می‌کردم. در برخورد اول به عنوان بازیگر، درباره زبان اختراعی آقای هاشمی در گویش نقش‌های فیلم متعجب شدم، اما بعداً دریافتم که تخیل فرهیخته آقای هاشمی این فیلم را تولید کرده است.»



حالی که یکی از مؤلفه‌های این ژانر سینمایی است. ترس و دلهره نیز از دیگر مؤلفه‌هاست. این ترس در «هری پاتر» یا حتی «سیندرلا» هم وجود دارد. اگر آن خرس در فیلم «گلنار» نبود، گلنار ماندگار نمی‌شد.»

در دومین روز سی‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان اصفهان، نشست خبری فیلم «تورنادو ۲: جزیره فضایی» با حضور سیدجواد هاشمی کارگردان، عباس دلدار جانشین تهیه‌کننده، عباس جمشیدی، وحید نفر، مهرا گنبدلو، محمدمهدی ایرانی، راستین عزیزپور، نگار نافد و علیرضا احمدی از بازیگران فیلم در خانه اجرایی جشنواره با اجرای «محمدرضا مقدسیان» برگزار شد. کارگردان جزیره فضایی در ابتدای این نشست گفت: «خوشحالم که قسمت اول تورنادو به اولین فیلم تاریخ سینمای کودک و نوجوان بدل شد که در پلتفرم‌ها دیده شد و بیش از ۱۰۰ هزار نسخه قاچاق داشت!» سیدجواد هاشمی با اشاره به خطرات عدم دوستی کودکان با سینما در بزرگسالی ادامه داد: «وقتی عادت به سینما رفتن در بچه‌ها از بین برود، آن‌ها در بزرگسالی دیگر مخاطب سینما نخواهند بود. این مخاطبی که اکنون در سینما وجود دارد، اثرات همان فیلم‌های دوران کودکی است.» او ترس و دلهره را یکی از المان‌های فیلم‌های کودک دانست و افزود: «عشق در فیلم‌های کودک ممنوع است، در



تجربه متفاوت سیخهای ایران برای ورود آثارش به رسانه‌های جدید

دستیار ویژه دبیر و مدیر امور ICT جشنواره سی و سوم:

ثبت نام کرده‌اند؛ می‌توانند با مراجعه به حساب کاربری خود در سامانه جشنواره، کدهای تخفیف رایگان را دریافت کرده و با مراجعه به پلتفرم «تیوا» فیلم کارگاه مورد نظرشان را مشاهده کنند. همچنین برای بخش پرسش و پاسخ هنرجویان که از مهم‌ترین بخش کارگاه‌های جشنواره به حساب می‌آید، پیش‌بینی‌های لازم صورت گرفته تا در محیطی امن، امکان گفت‌وگوی هنرجویان و استادان فراهم شود. به همین منظور، اتاق‌هایی برای هر کارگاه، جهت این گفت‌وگوها و تبادل نظر ایجاد شده است که لینک حضور در آن‌ها، برای همه هنرجویان، پیامک و به آن‌ها اطلاع‌رسانی خواهد شد.

دستیار ویژه دبیر جشنواره سی و سوم، در توضیح بخش‌های جنبی جشنواره بیان کرد: «این برنامه‌ها شامل «شب‌های اصفهان»، «افتتاحیه و اختتامیه جشنواره»، «نشست‌های پرسش و پاسخ» و سایر برنامه‌هایی است که در خانه جشنواره «سینما فرهنگ تهران» برگزار می‌شود. مخاطبان جشنواره می‌توانند به تمامی این برنامه‌ها به صورت روزانه با امکان بازیخش در شبکه تعاملی تیوا به صورت رایگان دسترسی پیدا کنند.»

او افزود: «بخش چهارم مربوط به کتابخانه ویدئویی است که در دوره سی و دوم، این امکان برای مخاطبان در اصفهان به صورت فیزیکی فراهم شده بود، اما در این دوره با توجه عدم حضور مخاطبان، به صورت آنلاین با همکاری پلتفرم هاشور برپا شده است. در این خصوص، براساس امکانات متنوعی که پلتفرم هاشور در اختیار جشنواره قرارداد، به‌ویژه امکان دوزبانه بودن آن که جزو ویژگی‌های مهم آن به حساب می‌آید، بخش کتابخانه ویدئویی با بیش از ۴۰۰ فیلم آماده شده است. مخاطبانی که قبلاً در بخش بازار فیلم سامانه جشنواره ثبت نام کرده‌اند، می‌توانند با مراجعه به حساب کاربری خود با دسترسی تعریف شده از بخش کتابخانه ویدئویی در پلتفرم هاشور استفاده کنند.»

شکرخواه با تأکید بر اینکه جشنواره فیلم کودک نخستین رویداد سینمایی کشور و منطقه است که به صورت سراسر آنلاین برگزار می‌شود، گفت: «سینمای ایران برای ورود آثارش به رسانه‌های جدید تجربه متفاوتی را رقم زده و مفهوم جشنواره، مخاطب، داوری مردمی و... در این دوره دچار دگرگونی اساسی شده است. لذا از سوی صاحبان آثار، رسانه‌ها و مخاطبان در سراسر کشور، کاستی‌های احتمالی در نخستین گام‌ها قابل نقد و بررسی هستند و امیدواریم در گام‌های بعدی سایر جشنواره‌ها نقایص ما را جبران کنند.»

آنلاین فیلم‌های سینمایی داشتند و استقبال خوبی که در سطح مخاطبان و فیلم‌سازان از این شکل اکران با وجود محدودیت‌های کرونا صورت گرفته بود، مذاکراتی با آن‌ها صورت گرفت که در نهایت، منجر به این شد تا پلتفرم‌های «نماوا»، «فیلمو»، «تیوا» و «هاشور» متناسب با توانمندی‌ها و تخصص خود در کنار جشنواره حضور داشته باشند. ملاک و معیار در انتخاب و گزینش این پلتفرم‌ها، مبتنی بر توانمندی و تخصص هر یک از این مجموعه‌ها در به‌کارگیری از تکنولوژی‌ها و زیرساخت‌های فناوری اطلاعات در اکران آنلاین و پوشش برنامه‌های جشنواره در سطحی وسیع براساس استانداردهای جهانی در حوزه سینما بود. زیرا امکان ارائه سرویس پایدار به یک جشنواره بین‌المللی از مهم‌ترین دغدغه‌هایی بود که تیم برگزاری جشنواره از اول به آن تأکید ویژه‌ای داشت.»

او با اشاره به جدول نمایشی که توسط دبیرخانه جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان اطلاع‌رسانی شده است، افزود: «از ساعت ۱۰ صبح تا ۲۲، طی ۶ روز، اکران فیلم‌های جشنواره انجام خواهد شد. قیمت‌گذاری فیلم‌ها در سه سطح رایگان، ۱۰ هزار تومان برای فیلم‌های بلند داستانی و ۵ هزار تومان برای سایر فیلم‌های کوتاه پیش‌بینی شده است. روال خرید مخاطبان عام که در ادوار گذشته به صورت گیشه‌ای، بلیت خریداری می‌کردند، در این دوره، این‌گونه خواهد بود که با مراجعه به پلتفرم‌های «فیلمو»، «نماوا» و «تیوا» بلیت مورد نظر خودشان را خریداری کنند. همچنین طی هماهنگی‌های به‌عمل آمده با تیم پشتیبانی و مرکز تماس هر سه پلتفرم، آمادگی لازم برای پاسخ‌گویی به هرگونه سؤال و مشکلات مخاطبان در ایام برگزاری جشنواره فراهم شده است.»

شکرخواه ادامه داد: «اساساً مخاطبان جشنواره به دو گروه کلی تقسیم شده‌اند. گروه نخست، شامل مخاطبانی هستند که پیش‌تر در سامانه جشنواره به‌عنوان صاحبان آثار، منتقدان، اهالی رسانه و داوران کودک و نوجوان ثبت نام کرده‌اند که به این گروه، در حساب کاربری سامانه کد تخفیف رایگان برای نمایش فیلم‌ها تعلق گرفته است. گروه دوم مربوط به مخاطبان عام جشنواره خواهد بود که هر ساله از طریق گیشه بلیت خریداری می‌کردند که در این دوره، می‌توانند با مراجعه مستقیم به پلتفرم‌ها، براساس جدول نمایش، فیلم مورد نظر خود را انتخاب و تماشا کنند.»

او در خصوص کارگاه‌های آموزشی جشنواره توضیح داد: «متقاضیان شرکت در کارگاه‌ها که طی زمان بندی مقرر شده در سامانه جشنواره

دستیار ویژه دبیر جشنواره سی و سوم و مدیر امور ICT این رویداد سینمایی با تأکید بر اینکه جشنواره فیلم کودکان و نوجوانان نخستین رویداد سینمایی کشور و منطقه است که به صورت آنلاین برگزار می‌شود، گفت: «سینمای ایران برای ورود آثارش به رسانه‌های جدید تجربه متفاوتی را رقم زده و مفهوم جشنواره، مخاطب، داوری مردمی و... در این دوره دچار دگرگونی اساسی شده است.»

به گزارش ستاد اطلاع‌رسانی جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، دکتر «میلاد شکرخواه» دستیار ویژه دبیر جشنواره سی و سوم و مدیر امور ICT این رویداد سینمایی، با اشاره به تصمیمات اتخاذ شده جهت برگزاری مجازی این دوره از جشنواره، گفت: «شکل‌گیری هسته برپایی آنلاین جشنواره‌های سینمایی از بهار ۹۹ با دستور ریاست محترم سازمان سینمایی کشور مبنی بر حمایت از تولید و توسعه نرم‌افزاری بومی به منظور راهبری رویدادهای آنلاین سینمایی و دبیرخانه‌های الکترونیک با اتکا به توانمندی‌های داخلی، آغاز شد. پیاده‌سازی بخشی از این پروژه، پیش‌تر توسط تیمی از برنامه‌نویسانی که با جشنواره همکاری داشتند شکل گرفته بود. لذا تکمیل این کار، متناسب با اقتضانات برگزاری یک جشنواره بین‌المللی و با هدف تأمین نیازمندی‌های دبیرخانه جشنواره‌های سازمان سینمایی کشور، ذیل فعالیت‌های بخش فناوری اطلاعات بنیاد سینمایی فارابی، در دستور کار قرار گرفت که با گذشت چند ماه کار مستمر و فشرده، شهریور ماه ۹۹، فاز نخست آن در جشنواره فیلم کودک، مورد بهره‌برداری قرار گرفت.»

او ادامه داد: «با توجه به شیوع بیماری کرونا و محدودیت‌های ناشی از آن، ناگزیر زمینه‌هایی فراهم شد که به سمت برگزاری آنلاین جشنواره حرکت کنیم. بر همین اساس، طرح پیشنهادی برگزاری آنلاین با الهام از جشنواره‌های موفق بین‌المللی که به شیوه آنلاین برگزار شده بودند و همچنین توانمندی‌های داخلی در دبیرخانه جشنواره تنظیم شد. به همین منظور، جلسات مختلف کارشناسی و همفکری با صاحب‌نظران سینما، دبیران جشنواره‌ها و مدیران سینمایی برگزار شد و در نهایت، این طرح توسط دبیر جشنواره در شورای برنامه‌ریزی جشنواره فیلم کودک مطرح و به اتفاق آرا تصویب شد که این دوره از جشنواره به شیوه آنلاین در چهار بخش اصلی برگزار شود.»

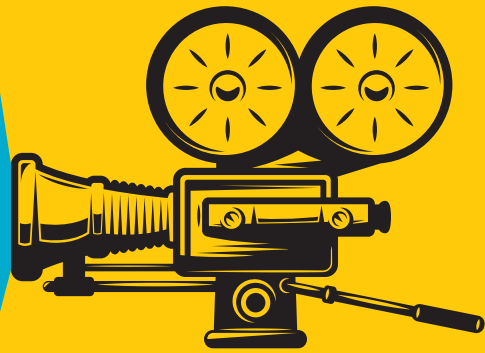
شکرخواه اکران آنلاین آثار جشنواره را مهم‌ترین بخش آن عنوان کرد و افزود: «با توجه به تجربه موفق که پلتفرم‌های داخلی «دموردا اکران



تحلیل سینمای ایران

پيله و پروانه
در آینه تحلیل

پيله‌ای که پروانه نمی‌شود!



اساس داستان را سست می‌کنند. چراکه بخشی از موانعی که قهرمان داستان (یاور) با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند، ناشی از این‌هاست. از این بی‌منطقی‌ها در خرده ایده‌های تصویری هم هست. مثل صحنه‌ای که دختر دو بار پاک‌کن را به زمین می‌اندازد تا بهانه‌ای باشد ما پای سوخته او را ببینیم و دلمان بسوزد. یا آنجا که در انتهای فیلم با موسیقی‌ای سوزناک، زن به سختی دختر را به کول کشیده؛ درحالی‌که دو چهارپا با بار سبک آن‌ها را همراهی می‌کنند.

این‌ها که گفتیم بیشتر به سالم نقل کردن یک داستان مربوط بود. بعدازاین تازه کار اصلی شروع می‌شود و آن رفتن به سمت روایت‌های تازه از داستان‌های تکراری است. ساخت فیلم کار پرزحمتی است. پس شاید بهتر است پیش از قدم‌گذاشتن به مرحله ساخت، وقت بیشتری صرف داستان شود؛ تا داستان‌ها قبل از پروانه شدن در پيله خفه نشوند.

می‌رسد. نقطه اوج مسیری غیرقابل بازگشت برای قهرمان است. سپس داستان به مسیر گشایش و راه حل رفته و آن پیچیدگی‌ها به پایان می‌رسند. حتی در کم‌حادثه‌ترین طرح‌های داستانی می‌توان این فرمول را دنبال کرد. اما به جای این، سیر فیلم پيله و پروانه پس از لحظات آغازین تبدیل به جریان‌های موانع سلسله‌وار هم‌سطح می‌شود که علت وجودی‌شان فقط برای اقرارگرفتن از مخاطب است. این صحنه‌ها انگار عازانه از ما حس تأثر و سپس تحسین را تقاضا می‌کنند. ولی نتیجه‌ای جز کسالت به بار نمی‌آورند. کسالتی که فیلم نه با قاب‌های زیبایی می‌تواند از آن نجات یابد، نه با تداعی‌هایی که دویدن‌های کودک دفترچه به دست در جاده‌های خاکی در ذهن ما ایجاد می‌کند. فارغ از سیرپی‌رنگ، بی‌منطقی‌های به نظر جزئی اما مهم، در تعریف شخصیت‌ها، مثل سن و سال و پایه تحصیلی‌شان،

همه داستان‌ها گفته شده‌اند. اما داستان‌گویی تمام نشده و نمی‌شود. اگر علاقه‌ای به داستان و داستان‌گویی داشته باشیم به صرف اینکه طرح فیلمی در همان دقایق اول آشناست، کنارش نمی‌گذاریم. اما اگر سالم و در روایتی جدید گفته نشود، این کار را می‌کنیم. این را گفتیم که تأکید کنم مشکلی با داستان پيله و پروانه ندارم. پسرپچه‌ای وقتی می‌بیند همکلاسی‌اش به دلیل نقص جسمانی از مدرسه رفتن محروم شده هر چه در توان دارد می‌کند تا او را به مدرسه بازگرداند و سرانجام موفق می‌شود. مشکل در طرح کلی نیست. ایراد در پرداخت آن و در فاصله میان آغاز و پایان است.

پی‌رنگ چنین چیزی باید باشد: قهرمان خواستی دارد. اما موانعی سر راه اوست. کشمکش او با این موانع باعث تعلیق‌ها و پیچیدگی‌هایی شده و در میانه داستان به اوج



نویسنده

حدیث متقی

خرد جمعی شیرین نوجوانانی که متعلق به امروز نیستند



تحلیل سینمای ایران

نگاهی به فیلم «مسیر معکوس»

در شکل اجرایی اما با فیلم کاملی مواجهیم. نماهای درست به همراه در خدمت بودن دوربین برای پررنگ نشان دادن حس درونی دغدغه‌ها، از جمله نقاط مثبت فیلم است. فیلم با همین پارامتر، مخاطب را به یاد سینمای کودک دهه ۷۰ می‌اندازد که یک خرد جمعی، آغازگر یک جریان می‌گشت و نتیجه انتهایی که حکم دسترنج قهرمانان داستان را داشت، به حس خوشایند فیلم تبدیل می‌شد.

در «مسیر معکوس» با وجود تمامی مراثی‌هایی که برخی از آن‌ها چندان واقعی نبودند، پایان خوبی رقم می‌خورد که شیرینی آن برای مخاطب، ملموس است و سبب می‌شود تا وی با حس خوشایندی سینما را ترک کند. فیلم برخلاف آثار مشابه خود، حس تخیل و شیرینی آن را به انتهای کار حواله می‌دهد. وگرنه در بدنه داستان، با فیلم زمخت، جدی و محکمی مواجه هستیم که هیچ یک از المان‌های سینمای امروزی نوجوانان از قبیل سبک‌سری، موزیکال بودن و پیشبرد درام توسط بزرگسالان را در خود نمی‌بیند.

«مسیر معکوس» امضای خاص «ابوالفضل جلیلی» را در خود می‌بیند؛ حالا اصرار یک دهه‌ای کارگردان برای ساخت این فیلم فهمیده می‌شود؛ کارگردان بین‌المللی سینمای ایران که با این فیلم نیز خواهد توانست افتخار آفرینی‌هایی را برای سینمای ایران به ارمغان بیاورد.



سوزه در سینمای امروز کودک و نوجوان چندان دیده نمی‌شود. کمتر پیش آمده که مسئولیت‌های بزرگی در نتیجه ضرورت درونی در نوجوانان شکل گرفته و آن‌ها را وادار به حرکت کند. هرچند که اصالت سوزه به مراتب از داستانی‌های آن قوی‌تر است. برخی بیچسب‌های داستانی، شکلی دراماتیک داشته و تنها با هدف پیچش و سخت‌تر کردن تنگنا برای رسیدن به هدف، تعبیه شده که چندان به قواره درام نمی‌نشینند و از کلیت اسلوبی یک داستان دغدغه‌مند بیرون زده و از حس همذات‌پنداری آن می‌کاهد.

تماشای فیلمی از «ابوالفضل جلیلی» روی پرده سینما ذوق‌زدگی‌های خاص خود را دارد؛ فیلم‌سازی که باین همه سابقه هنوز فیلم‌هایش در ایران به صورت عمومی اکران نشده و با وجود تمام تواضعی که از او سراغ داریم میانه چندان خوبی با جشنواره‌های داخلی ندارد.

«مسیر معکوس» اما اولین فیلم جلیلی است که توانسته با پروانه ساخت رسمی جلوی دوربین برود؛ فیلمی که ساخت آن حدود یک دهه به طول انجامیده است.

در «مسیر معکوس» با عده‌ای نوجوان مواجه هستیم که می‌خواهند طبق روش خود یک فیلم ساخته و آن را برای پخش به تلویزیون بدهند.

نکته ابتدایی در مورد فیلم، شبیه نبودن نوجوانان آن به مابه‌ازاهای بیرونی‌شان است. نوجوان‌های فیلم با آنکه در عصر جدید روایت می‌شوند، اما شباهتی به نوجوانان امروزی ندارند؛ از طرز لباس پوشیدن و مدل مو گرفته تا علایق، شیوه و سبک زندگی‌شان. موردی که حتی در نشست خبری پایان فیلم نیز از کارگردان پرسیده شد و جلیلی با صحنه‌گذاشتن بر این اتفاق، گفت که نوجوانان امروزی را نمی‌فهمد.

البته که کلیت فیلم نیز با این گفته جلیلی هم‌خوانی دارد. در فیلم وحدتی دیده می‌شود که در پی یک دغدغه جمعی شکل گرفته و آن‌ها را ملزم می‌کند تا به هدف سخت خود برسند. این



خبرنگار

مجتبی اردشیری

راوی رنج‌های کودکان

ابراهیم فروزش: به اطراف، سرک بکشیم!



تصویر بهزاد خداویسی وقتی درون خمره مشغول تعمیر آن است، از ذهن فیلم‌بازها حذف‌شدنی نیست! تصویری مثالی از فیلمی که نخستین یوزپلنگ طلایی جشنواره لوکارنو و چهار جایزه جنبی آن را برای سینمای ایران به ارمغان آورد و در دستان ابراهیم فروزش، کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس ایرانی نهاد. مردی که سال ۱۳۱۸ در تهران متولد شد و فعالیت هنری‌اش را از ۱۳۴۹ در مرکز سینمایی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آغاز کرد و فیلم‌نامه‌های کوتاه بسیاری را برای فیلم‌های انیمیشن و کوتاه نگاشت تا آنکه در ۱۳۶۵ نخستین فیلم بلندش را به نام «کلید» کارگردانی کرد و به گفته خودش «محو سینمای کودک» شد. اکنون مقرر شده تا در سی‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم کودکان و نوجوانان اصفهان، به نیکویی پاس داشته شود.

نخ تسبیح زندگی هنری ابراهیم فروزش از نگارش فیلم‌نامه فیلم کوتاه «سیاه پرنده» در ۱۳۵۲ گذر می‌کند و با رسیدن به سوراخ کلید از «خمره» سردرمی‌آورد و در دستان «مرد کوچک» قرار می‌گیرد تا «بچه‌های نفت» آن را به «هامون و دریا» بدوزند، اما اکنون «زمانی برای دوست داشتن» فرارسیده و در میانه «شیرتوشیر» باید نخ را به «سنگ اول» بست و به میان جامعه انداخت، زیرا به اعتقاد این کارگردان «زبان سینما اجتماعی است، یعنی با مردم سروکار داری. هم مردمی که جلوی دوربینتان هستند و هم مردمی که فیلم‌هایتان را می‌بینند. این‌گونه جلب رضایت همه، کار سختی است.» این‌ها حرف‌های فیلم‌سازی است که خلق اثر هنری به نظر او «نوعی زایمان است، بنابراین وقتی می‌بینی بچه‌ای که به دنیا آورده‌ای مورد اقبال مردم و به خصوص کودکان قرار گرفته، حتی بالاتر از دریافت جایزه از نظر معنوی مسرت نصیب می‌شود.» جغرافیای جامعه فرهنگی فیلم‌های این هنرمند، آثار او را از خمره تا بچه‌های نفت و از هامون و دریا تا سنگ اول، از یکدیگر متفاوت و متمایز می‌کند، اما همه آن‌ها را ذیل مفاهیم اجتماعی به هم پیوند می‌دهد و داستان‌های متفاوت اقصای پایین دست جامعه ایرانی را روایت می‌کند، جوری که می‌گوید: «باید

سرهايمان را از پنجره محدود عادت‌ها بیرون بیاوریم و به اطرافمان سرک بکشیم. وقتی به میان مردم بروید، مسائلی را می‌بینید که دل‌تان می‌خواهد آن‌ها را بشکافید و به‌عنوان یک فیلم‌ساز آن‌ها را به نمایش درآورید. برای من که این‌طور بوده، به‌خصوص وقتی پای سینمای کودک در میان است.» بنابراین اصل مطلب این است که «وقتی از کودک سخن می‌گوییم، باید دوروبر او بگردیم و مسائلی را بشناسیم.» واقعیتی که به نظر او «ما را با خیل عظیم کودکان و نوجوانان که رقم بسیار درشتی را از نظر توالد در جامعه تشکیل می‌دهند روبه‌رو کرده است، بنابراین مسلم است که قاعدتاً من هم باید نگاه جامع‌تری به جامعه داشته باشم تا بتوانم کودکی را که در این جامعه زندگی می‌کند جلوی دوربین بیاورم و قصه زندگی خودش را بگویم.»

فروزش طبیعی می‌پندارد که «وقتی نگاه من این شکل باشد، فردگرا نخواهم بود و به جمع‌خواهم پیوست.» درست همان‌گونه که در فیلم کلید «بچه چهارساله محبوس در آپارتمان پنجره را باز می‌کند و نهایتاً به جامعه و مردمی که پایین پنجره ایستاده‌اند وصل می‌شوند.» بنابراین «وقتی پایه‌پای این کودک، جامعه کودک را بشناسید و جلو بروید، می‌بینید که تمام دل‌بستگی‌های او کجاست و ارتباطش با جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند به چه جایی ختم می‌شود. واقعیت این است که آدم باید دیدش را باز کند و کودک را از جامعه خودش جدا نبیند.»

چهار دهه فیلم‌نامه‌نویسی و فیلم‌سازی او را با هم

دوره می‌کنیم تا آنکه فروزش می‌گوید: «من را به یاد این می‌اندازد که چه کرده‌ام. محو سینمای کودک شده بودم. اینکه آگاهانه رفته باشم و کاری کرده باشم، نه. من به‌عنوان شغل و حرفه خودم به فیلم‌سازی سریدم و با علاقه ادامه‌اش دادم. نمی‌توانم برجسب وظیفه و مسئولیت و این حرف‌هایی را که برخی می‌زنند، به آن بچسبانم و بگویم من می‌خواستم فریادی باشم برای... خیر، اصلاً این‌گونه نیست. من نگرشی دارم و براساس آن نگرش حرفه‌ام را ادامه می‌دهم و جلو می‌روم.»

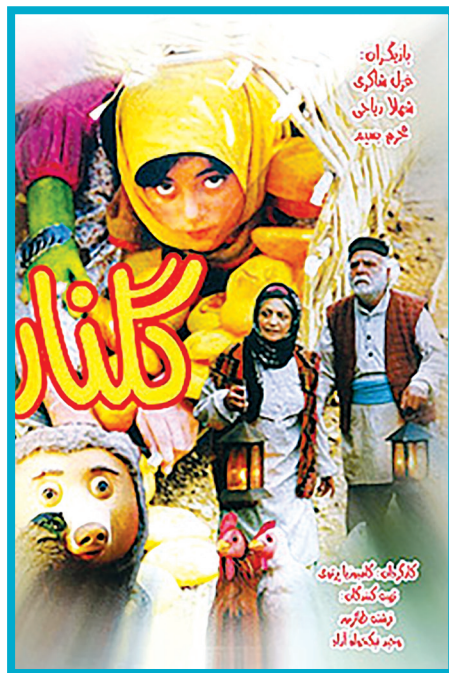
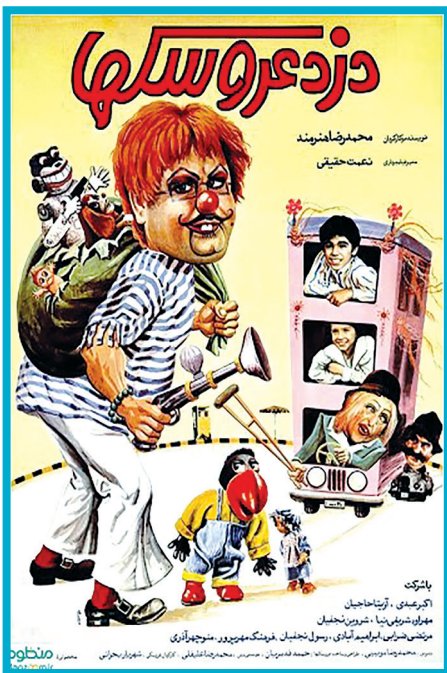
او به همین خاطر معتقد است که «اگر اسمش را شیفتگی بگذاریم کار غلطی است. مردم باید بیسندند و داوری کنند، به‌خصوص اگر فیلم در ایران ساخته شود و به خارج برود. باید به سینمای ایران ببالیم، چون توانسته در آن سوی مرزها هم جا باز کند. شما نمی‌دانید چقدر مشکل است فیلمی از ایران برود و در جشنواره‌های بزرگ نگاه مثبتی به آن داشته باشند. دیگر آنجا صحبت فرد نیست، صحبت یک کلمه است به نام ایران.»



خبرنگار
عادل امیری

قصه‌های قدیم

نگاهی متفاوت به چهار فیلم کو



فرض کنید قرار بود فیلم‌های پرفروش کودک در دهه‌های ۶۰ و ۷۰، امروز به تولید برسند؛ یعنی همان داستان و پلات در زمان کنونی به فیلم‌نامه تبدیل شود. به نظر شما با در نظر گرفتن تمام شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، چه تغییراتی در متن فیلم‌نامه‌ها یا کارگردانی اثر شاهد بودیم؟ این گزارش فانتزی، دو فیلم مهم از دهه ۶۰ و دو فیلم مهم از دهه ۷۰ را مورد بررسی قرار داده است تا در نهایت به این پاسخ برسد که آیا فیلم‌های کودک آن دوران، فرزندان واقعی زمانه خود بودند؟ و آیا کودکان امروزی که زاده مخاطبان آن فیلم‌های قدیمی به حساب می‌آیند، قادر به برقراری ارتباط با آن‌ها هستند؟

گلنار

سال تولید: ۱۳۶۷

ویژگی خاص تولید:

دارای عروسک‌های تن پوش که راویان اصلی قصه‌اند.

داستان فیلم:

گلنار با بی بی و آقابزرگ زندگی می‌کند. او از مادر مرحومش یک دستمال آبی دارد که چون یادگاری است، خیلی برای او عزیز است. گلی دختر کدبانویی است و همه غذاها را خوب درست می‌کند. تنها چیزی که یاد نگرفته پخت کلوچه است. یک روز دستمال آبی گلی را باد می‌برد و او در جست‌وجوی آن در جنگل گم می‌شود و به چنگ خرسی جون و آقاخرسی می‌افتد. خرسی جون، زن تنبلی است که هیچ چیزی از خانه‌داری بلد نیست. برای همین گلی را مثل یک خدمتکار به کار می‌گیرد تا رضایت شوهرش را از بابت منظم بودن امور خانه به دست بیاورد. گلی پخت همه غذاها را به خرسی جون یاد می‌دهد و در این بین، خودش هم یاد می‌گیرد چطور باید یک کلوچه خوب درست کند و دستور پخت این مورد آخر را به خرسی خانم نمی‌دهد. از طرفی، آقاخرسی عاشق این کلوچه شده و تعداد بیشتری می‌خواهد. گلی شرط می‌گذارد که تعدادی کلوچه را در یک سبد بزرگ برای بی بی او ببرد تا بعد، برای آقاخرسی ۲۰۰ کلوچه بپزد. بعد، گلنار با کمک خرسی خانوم در سبد کلوچه پنهان می‌شود و به روستا بازمی‌گردد.

بررسی تطبیقی زمانی:

جهان فیلم، منطبق با جهان امروز نیست. در دهه ۶۰ کدبانوگری یک دخترک کم‌سن‌وسال که به تازگی از دنیای کودکی به دنیای نوجوانی پا گذاشته یک فضیلت بود و امروز چنین چیزی در تفکر تربیتی پدر و مادرها نیست و بالطبع، نوجوان هم به آشپزی و کیک‌پختن به چشم یک هنر یا حتی یک سرگرمی نگاه نمی‌کند. به نظر می‌رسد کاراکتر گلنار صرفاً به‌عنوان یک شخصیت سینمایی و داستانی برای مخاطب امروزی جذاب باشد و اگر هم همذات‌پنداری صورت بگیرد، این موضوع به زبر و زرنگی او و نقشه‌کشیدن‌هایش برای خلاصی از مخمصه‌ای که در آن افتاده برمی‌گردد؛ بنابراین به نظر نمی‌رسد چنین فیلم‌نامه‌ای برای مخاطب کنونی همچنان‌انگیز باشد، حتی اگر به‌روز شود. نکته بسیار جالب توجهی که کامبوزیا پرتوی، نویسنده و کارگردان اثر، در آن سال‌ها لحاظ کرده و البته در لفافه‌ای بسیار پررنگ قرار داده بود، نقش یک نوع حسادت زنانه در بدنه داستان است که به‌عنوان یک احساس بزرگسالانه، در فیلمی کودکانه گنجانده شده؛ خرسی خانم به گلنار کمک کرد به خانه‌اش برگردد؛ چون نمی‌خواست کسی غیر از خودش در چشم شوهرش جلوه کند!

دزد عروسک‌ها

سال تولید: ۱۳۶۸

ویژگی‌های خاص تولید:

دو کارگردان داشت: محمدرضا هنرمند، کارگردان هنری و شهریار بحرانی، کارگردان بخش عروسکی دارای جلوه‌های ویژه؛ باکیفیت قابل توجه با در نظر داشتن زمان تولید (سی و یک سال قبل) لوکیشن‌ها به‌تمامی در فضای استودیویی و دکور شده قرار دارد.

داستان فیلم:

یک مادر با دو فرزند خود لیلا و بهرام زندگی می‌کند. او از بانک وامی دریافت می‌کند تا بتواند خانه‌ای بخرد و از این بابت خوشحال است. سوی دیگر شهر بی‌زنی بدجنس (عجوزه) با پسرش (گنجو) زندگی می‌کند که دشمن شادی‌های مردم است. او پسرش را می‌فرستد تا پول‌های مادر را بدزدد. این اتفاق رخ می‌دهد و لیلا و بهرام تصمیم می‌گیرند عروسک‌های خود را بفروشند تا این خسارت را جبران کنند؛ اما عروسک‌ها هم دزدیده می‌شوند. این بار اما لیلا و بهرام رد گنجو را می‌زنند و موفق می‌شوند به مخفیگاه آن‌ها بروند. هرچند که خودشان هم زندانی می‌شوند، اما با کمک عروسک‌ها خلاص می‌شوند و قصه با خوشی به پایان می‌رسد.

بررسی تطبیقی زمانی:

ساختار فیلم، رئال نیست؛ گریم‌ها فانتزی است و لوکیشن‌ها شامل فضای خانه، فضای شهری و فضای خانه عجوزه همه دکور شده‌اند و برای آن‌ها طراحی مخصوص صورت گرفته



نویسنده
سارا کتانی

همی اما به روز!

دک در دهه‌های شصت و هفتاد

می‌آید تا همکار آقای مجری شود. او را هم می‌بیند؛ اما آقای مجری حاضر نیست دوستی او را بپذیرد، به خصوص که در سهرایی را هم در جریان خواستگاری رفتن و ازدواج او برایش به وجود می‌آورد. در نهایت اما با کمک پسرخاله کلاه قرمزی و پس از جنگیدن با عروسک بدجنس دایناسور که کلاه قرمزی را رقیب خود می‌بیند، اعتماد آقای مجری جلب می‌شود؛ آن‌ها با هم دوست می‌شوند و ازدواج مجری و همسرش هم سر می‌گیرد.

۹۹ بررسی تطبیقی زمانی:

گذشته از نوستالژی انکارناپذیر کلاه قرمزی و اینکه کودکان امروزی هم به واسطه پخش سریال‌های نوروزی که در دهه اخیر تولید و پخش شده، با این شخصیت آشنا هستند، مخاطبان دهه نودی فیلم را به واسطه ترکیب همیشه جذاب جلی و طهماسب دوست دارند. اگر بنا باشد همین قصه برای زمان کنونی بازنویسی شود، باید از پایه، ساختمان فیلم‌نامه را عوض کرد؛ چراکه در دهه ۷۰، تلویزیون هیچ رقیبی نداشت و امروز قافیه را به فضای مجازی باخته است.

در آن دوران، قشر خردسال هیچ سرگرمی خاصی جز برنامه کودک نداشت و امروز حتی اگر بنا باشد بچه‌ها پای کارتون بنشینند، تولیدات خارجی برایشان جذاب‌تر است؛ بنابراین پلات اصلی فیلم‌نامه شامل عشق یک کودک به مجری برنامه تلویزیونی که او را به تهران و تلویزیون بکشاند، قابل قبول نیست؛ آن هم با حضور انواع خاله‌ها و عموها در صداوسیما.

۹۹ بچه‌های آسمان

۹۹ سال تولید: ۱۳۷۵

۹۹ ویژگی خاص:

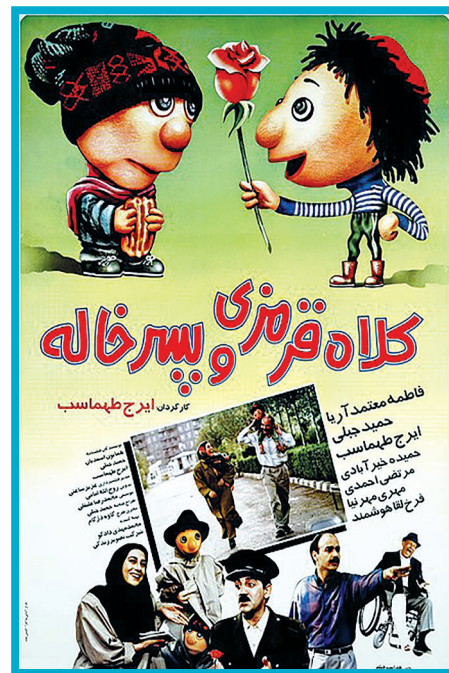
بازی گرفتن از کودکان نابازیگر

۹۹ داستان فیلم:

علی و زهرا خواهر و برادری هستند که در یک خانواده فقیر زندگی می‌کنند. پدر آن‌ها قادر نیست برایشان کفش بخرد و به همین دلیل هر دو از یک کفش استفاده می‌کنند؛ یعنی هر بار یکی باید دوان دوان از مدرسه بیاید تا کفش هایش را به دیگری برساند تا او که در شیفیت عصر به مدرسه می‌رود معطل نماند. یک روز کفش گم می‌شود و علی به فکر چاره است؛ تا اینکه متوجه می‌شود در مدرسه یک مسابقه دو برگزار شده که جایزه نفر سوم آن یک جفت کفش است. بنابراین علی تصمیم می‌گیرد در مسابقه شرکت کند تا به جای اول شدن، سوم شود.

۹۹ بررسی تطبیقی زمانی:

فقر و نداری یکی از موضوعات تلخی است که دوره‌اش در مملکت ما هرگز تمام نمی‌شود و از سکه نمی‌افتد! بنابراین فیلم‌نامه‌ای که راجع به این موضوع نوشته شده باشد می‌تواند در هر دهه‌ای قابلیت پرداخت داشته باشد و تنها روند روایت آن تفاوت کند. مشخصاً درباره «بچه‌های آسمان» باید گفت دغدغه‌ای مثل کفش داشتن هنوز هم می‌تواند یک دغدغه مهم برای خانواده‌های پایین‌دستی جامعه باشد و حتی ایده پسر قصه برای کفش دار شدن، چیزی نیست که با گذشت ۲۵ سال کهنه شده باشد. هنوز هم مسابقات ورزشی مدرسه‌ای برگزار می‌شود و هنوز هم کفش‌های برند به عنوان یک کالای لوکس، رؤیایی به حساب می‌آیند و بنابراین چه عجیب و چه غم‌انگیز که می‌توان فیلمی درباره «غم نداری» را که تولید سال ۷۵ است در آخرین سال دهه ۹۰ تماشا کرد و همچنان با جزء به جزء آن ارتباط برقرار کرد.



است. دیالوگ شخصیت‌ها نیز شعرگونه و موزون و قافیه‌دار است که کم‌وبیش در آثار امروزی هم می‌بینیم؛ اما با وجود همه این نکات، یک جور منطق رئالیستی فرامتنی بر داستان حاکم است؛ برای مثال مادر قصه از بانک وام می‌گیرد تا به علاوه پس‌انداز خود یک خانه بخرد؛ چیزی که واقعا در دهه ۶۰ ممکن بوده و در مقابل، کودکان امروزی باهوش از خلال صحبت بزرگ‌ترها می‌فهمند که چنین اتفاقی در فضای اقتصادی امروز یک رویاست! همچنین، کودک امروزی از سن وسالی به بعد، دیگر با اسباب‌بازی خود شامل عروسک و ماشین و... رابطه نمی‌گیرد، چراکه رقبای قدرتمندی مثل شخصیت‌های مجازی در بازی‌های آنلاین و غیرآنلاین اپلیکیشن‌ها به وجود آمده‌اند؛ بنابراین اگر قرار بود «دزد عروسک‌ها» امروز نوشته شود، احتمالاً با جان‌بخشی به عروسک‌های فیزیکی به نوعی نوستالژی بازی دست می‌زد و نه بازنمایی واقعیت‌ها، مگر اینکه در یک فضای نیمه‌انیمه، این عروسک‌های انیمیشنی (مشابه فیلم مبارک) باشند که به لایلا و بهرام کمک می‌کنند تا آزاد شوند.

۹۹ کلاه قرمزی و پسر خاله

۹۹ سال تولید: ۱۳۷۲

۹۹ ویژگی خاص تولید:

حضور عروسک‌های دست‌گردان

۹۹ داستان فیلم:

کلاه قرمزی از مدرسه اخراج می‌شود و در همان روزها با دیدن آقای مجری در تلویزیون فکری به سرش می‌زند، او به تهران



مرهم پروانه‌ها بر دل جوانه‌ها

شوند و از قطار جشنواره سی‌وسوم جا نمانند. این برنامه در تلویزیون‌های اتاق کودکان پخش شد و در چند شب آینده نیز اجرا خواهد شد. باشد که به‌زودی زود به آغوش خانواده‌هایشان بازگردند و در جشنواره سی‌وچهارم شاد و قبارق و سرخوش سرشان را از پنجره‌ها بیرون بیاورند و بخندند و شیطنت کنند.

ویژه‌برنامه لبخند پروانه‌ها در دومین روز از سی‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان در بیمارستان تخصصی کودکان امام حسین (ع) برای کودکان بستری‌شده به اجرا درآمد تا بچه‌هایی که حالا از شور و حال جشنواره دورند، با شادی و سرور و عروسک‌ها و پروانه‌ها و بادبادک‌ها هم‌خانه



این فیلم‌ها را
کلاً ببینید



خواهران ((عجیب)) و غریب

تحلیل تخیلی - تخم مرغی فیلم‌های مخرب

۰۱ اولین نشانه مرموز فیلم خواهران غریب این بود که روزی شش بار، قبل و بعد از هر وعده غذایی از تلویزیون بازپخش می‌شد. هر روز با شروع برنامه کودک، مجری می‌گفت: «بچه‌ها سلام، خوشگلا سلام، می‌دونید امروز چه فیلمی داریم؟ آفرین، امروز هم که درست حدس زدین، بله؛ خواهران غریب!» آیا با این تکرارها قصد القای مفاهیمی در ذهن کودک و نوجوان نداشته‌اند؟

۰۲ با توجه به اینکه این فیلم پر فروش‌ترین فیلم سال ۷۴ شد، این سؤال پیش می‌آید که چرا مردم این قدر به این فیلم علاقه داشتند؟ آیا کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه مردم نیست؟ آیا اصولاً همه چی زیر سر خودمون نبود و ما بی‌خودی می‌گفتیم زیر سر خودشونه؟ چه چیزی باعث می‌شه مردم هم در سینما و هم در تلویزیون هزاربار این فیلم رو ببینند؟ البته اون موقع‌ها کسی به مردم سوءظن نداشت و مردم قسر در می‌رفتند. در حال حاضر مسئولان، با آگاهی از آب‌زیرکاه بودن مردم، نقدهای شدیدی به مردم دارند و همه مشکلات کشور رو زیر سر مردم می‌دونند. مردم هم در کمال وقاحت یک معذرت‌خواهی خشک‌وخالی هم از مسئولان نمی‌کنند تازه مدعی هستند که مسئولان باید اوضاع کشور رو مدیریت کنند.

۰۳ وقتی نسرين و نرگس (خواهران دوقلو) جاشون رو با هم

عوض می‌کنند، پدر خانواده تا آخر فیلم هم نمی‌تونه بفهمه کدومشون نسرينه و کدومشون نرگس. یعنی اگر به جای دخترهاش، احمد پورمخبر هم کیف مدرسه روی شونه‌اش می‌انداخت و می‌اومد منزل، خسرو شکیبایی که نقش پدر رو داشت، متوجه تغییر خاصی نمی‌شد. آیا این سیاه‌نمایی و خشونت علیه مردان نیست؟ آیا این مردستیزی نیست؟ درسته که گاهی مردها اشتباهی نان رو در جاکفشی و کفششون رو توی جا نونی میذارند، درسته گاهی با بچه‌شون می‌زند پارک، ولی اشتباه‌ها یه بچه دیگه رو با خودشون برگردوند خونه، ولی دلیل نمی‌شه این طوری مردها رو روی پرده سینما به اون بزرگی ضایع کنند.

۰۴ پدر خانواده با مادر خانواده صحبت می‌کنه و تصمیم می‌گیرند با هم زندگی کنند و به این ترتیب زندگی گل و لبلبل می‌شه. ولی معلوم نشد تکلیف اون دختری که پدر خانواده می‌خواست باهاش ازدواج کنه چی می‌شه؟ آیا ته یک فیلم ایرانی نباید همه شخصیت‌ها خوشبخت بشن؟ نباید کارگردان یک شوهر هم برای اون دختر در نظر می‌گرفت؟ دختر صبح از خواب پا می‌شه و می‌بینه خسرو شکیبایی رفته با همسر سابقش. حالا این دختر چه کنه؟ توی زمنه‌ای که شوهر از سکه بهار آزادی کمیاب تره، چه گلی باید به سر بگیره؟

۰۵ اصلاً اینکه در خلاصه فیلم اومده «پدر و مادر بعد از یک شب گفت‌وگو، اختلاف‌هایشان را کنار می‌گذارند» دقیقاً کجا می‌دارند؟ یعنی بعد از این همه سال زندگی مشترک فرصت گفت‌وگو نداشتند؟ اگر نویسنده جایی رو که اختلاف‌ها رو آنجا می‌دارند بلده، چرا به جامعه نمی‌گه که این قدر آمار طلاق توی جامعه ما بالا نره؟

۰۶ البته قبل از اینکه با زودباوری بپذیریم که پدر و مادر با کمی گفت‌وگو به تفاهم می‌رسند و برمی‌گردند سر زندگی شون، باید قیمت سکه رو در اون سال چک کنیم. در حال حاضر، با افزایش سرسام‌آور قیمت سکه، بنیان خانواده‌های ایرانی به شدت قوی شده. مردها صبح تا شب در حال کسب رضایت همسرشون هستند ولی خیلی از زن‌ها هم چند وقته که فکر طلاق افتاده توی سرشون و هی بهونه می‌گیرند.

۰۷ البته قبل از اینکه با زودباوری بپذیریم که پدر و مادر با کمی گفت‌وگو به تفاهم می‌رسند و برمی‌گردند سر زندگی شون، باید قیمت سکه رو در اون سال چک کنیم. در حال حاضر با افزایش سرسام‌آور قیمت سکه، بنیان خانواده‌های ایرانی به شدت قوی شده. مردها صبح تا شب در حال کسب رضایت همسرشون هستند، ولی خیلی از زن‌ها هم چند وقته که فکر طلاق افتاده توی سرشون و هی بهونه می‌گیرند.



طنزپرداز
محمد پوررشیدی





پیشنهاد فیلم

فیلم کوتاه پویانمایی «اتاق ۲۱»، روایتی از جنس خیال برای کودکان خاص و مواجهه جامعه با آن‌هاست. داستان این انیمیشن درباره کودکی است که دچار اختلال سندرم داون است. پیمان دهقانی کارگردان «اتاق ۲۱» درباره انتخاب موضوع این انیمیشن گفته: داستان این انیمیشن درباره کودکی است که دچار اختلال سندرم داون است. این کودکان برخلاف تصورات، علاقه زیادی به برقراری ارتباط با دیگران دارند، اما متأسفانه توسط جامعه در اکثر مواقع رانده می‌شوند. در این انیمیشن ابتدا همین اتفاق می‌افتد، اما کودک در نهایت دنیای تخیل خود را به روی کسانی که مورد تمسخر قرارش می‌دهند باز می‌کند و با دوستی که بین آن‌ها رخ می‌دهد و با کمک هم یک قلعه شنی می‌سازند.



اتاق ۲۱

پیمان دهقانی

به‌رزان رستمی، کارگردان و انیمیشن‌ساز با انیمیشن «پژواک» به سی‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم کودک آمده است. انیمیشنی که به مسئله حیات وحش، ادراک آن و همچنین سوءاستفاده بشر از محیط زیست می‌پردازد. رستمی درباره این اثر گفته: من همیشه از خودم می‌پرسم که اگر طبیعت با همان روشی که انسان به محیط زیست و حیات وحش آسیب می‌زند، با ما رفتار کند، آیا باز هم به این کار ادامه خواهیم داد؟ من با محیط زیست هم دردی می‌کنم، چون فکر می‌کنم همه موجودات زنده مانند ما دارای احساسات هستند. آن‌ها احساس خوشبختی، غم، عصبانیت و... می‌کنند و ممکن است آن‌ها را در پژواکشان با ما به اشتراک بگذارند. به همین دلیل فیلمی درباره همدلی با محیط زیست ساختم.



پژواک

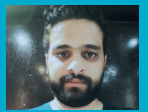
به‌رزان رستمی

فیلم کوتاه «کرونا و کودک کار»، حرف‌های تازه‌ای از وضعیت کودکان کار در شرایط کرونایی ارائه می‌دهد. زهرا موسوی، کارگردان نوجوان و ۱۴ ساله فیلم کوتاه «کرونا و کودک کار» گفت: فیلم از پیوند کرونا و کودک کار سخن می‌گوید. کودک کار فیلم، سال‌ها به سختی‌هایی بدتر از کرونا عادت کرده است و ترسی از کرونا ندارد. او ترس از کرونا را بهانه کرده تا از این طریق گلایه خود را به گوش کسانی برساند که کودکان کار را نمی‌بینند و به درد دلشان گوش نمی‌دهند. در این فیلم کوتاه سعی بر آن شده است که کودک فیلم، حرف خود را بی‌پرده بزند. بخش کروناروایت امسال با توجه به شرایط حاضر در جامعه به جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان اضافه شده است و «کرونا و کودکان کار» یکی از فیلم‌های حاضر در این بخش است.



کرونا و کودک کار

زهرا موسوی



خبرنگار
احسان امینی

نوجوان نگاری Teenage Writing

بازیگوش‌ها؛ یک فیلم روستایی



محمد حسین شیرویه‌زاد

صحنه عروسی در فیلم، برای ایجاد شادی بیشتر در قصه گنجانده شده و اینجاست که جای خالی یک قصه موزیکال حس می‌شود. «بازیگوش‌ها» جای خالی‌های زیادی دارد که می‌شد شیرین‌تر و دوستانه‌تر، در قالب چند قطعه موزیکال پر شود. در سکانس‌های پایانی بالاخره به یک قطعه موسیقی در خور می‌رسیم با موضوعی که مدنظر قصه است. دوربین کرین بالا می‌رود و ما از بالا دسته بچه‌های خوشحال را میان طبیعت روستایی می‌بینیم. کاش به‌جای صحنه‌های بعدی که چند قسمت از بازی تیم فوتبال است و در نهایت کلمه (پایان) روی صفحه نقش می‌بندد، نقطه ماجرا را پایان حرکت دوربین روی طبیعت می‌دیدیم. در هر حال قصه بازیگوش‌ها، مناسب جشنواره فیلم کودک است و مخاطبش لذت بیشتری می‌برد اگر فیلم به جز بازیگران کودک، جذابیت‌هایی همچون موسیقی هم برای تماشاگرانش داشت.

مناسبی از فیلم، گنجانده شده است. پارسیا شکوری را پیش از این، در ساخته‌های حسین قناعت شناخته‌ایم. شخصیتی که به دلیل شیرین‌زبانی و ویژگی شیرین‌فیزیکی‌اش، ناخودآگاه به دل می‌نشیند و تماشاگر به راحتی او را می‌پذیرد. اما باز هم عقیده‌ام بر این است که کاش برای بازیگران کودک لهجه‌ای انتخاب می‌شد یا بازیگران بومی، جایگزین می‌شدند. شخصیت مرتضی تمام معیارها را داراست. هم چهره مناسبی دارد و همه گویش دل‌نشین. قصه ما در یک شهر شلوغ و پرجمعیت روایت نمی‌شود. چندین بار این تذکره می‌شنویم. این یک نقطه قوت است. شناساندن روستا برای کودکانی که شهرنشینی را تجربه کرده‌اند، نکته جذابی است. پیام‌های فیلم زیاد است و هم در دیالوگ‌ها و هم در کلیت ماجرا می‌توان به آن پی برد. پیام‌های فیلم فقط از آن یک فیلم برای کودک است و قطعاً نویسنده تمام تلاشش را کرده تا پیام‌ها، خشک و ناگهانی به چشم نخورند.

«بازیگوش‌ها»، به کارگردانی نادره ترکمانی و نویسندگی یاسر خمسی، اولین فیلمی بود که در جشنواره مجازی فیلم کودک امسال دیدم. نادره ترکمانی را شاید بیشتر با خاله سوسکه می‌شناختم و این بار به تماشای یک اثر دیگر از او نشستیم. قصه در روستا روایت می‌شود و این یک نکته مهم است. بچه‌های بازیگر خیلی خوب پتانسیل چهره یک پسر روستایی را دارند، اما کاش فقط به چهره توجه نمی‌شد. بازی (عماد) کیفیت پایین‌تری نسبت به مرتضی دارد و کاش برای بچه‌ها لهجه خاصی در نظر گرفته می‌شد تا حس روستایی بودن آن‌ها بیشتر به تماشاگر القا می‌شد. در نماهای باز، طبیعت و منظره‌هایی کاملاً روستایی و بکر را شاهد هستیم. بازیگوش‌ها، سعی می‌کند با ایجاد اتفاقات و گره‌های هرچند سطحی اما مداوم تماشاگر را به دنبال خود بکشاند. شوخی‌ها و دیالوگ‌های بین نعیمه نظام دوست (صفورا) و مهیار مجیب (یونس) چاشنی طنز به قصه افزوده و در نقاط

گفتمان خوبی و زیبایی در سینمای کودک

مدرس کارگاه «اصول زیباشناسی سینما برای نوجوانان»: سینمای کودک باید زیبایی ظاهری داشته باشد

داشته باشد، گفت: «چنین فردی باید نیازها و سلیقه کودکان را دریابد و خودش را با کودکان هم سو کند. به واقع سینمایی که قرار است برای کودک باشد، باید زیبایی ظاهری داشته باشد.» به همین خاطر او معتقد است: «فیلم‌هایی که با موفقیت روبه‌رو نشده‌اند، از طرفی از زیبایی ظاهری برخوردار نبوده‌اند و از طرف دیگر، به جنبه‌های آموزشی کمتر از جنبه‌های سرگرمی بها داده‌اند.» عادل، طرح یا ایده را از جمله عواملی می‌داند که پایه سینما با آن شروع می‌شود. او معتقد است: «اگر قرار باشد فیلم کودک بسازیم، ایده اولیه باید به‌گونه‌ای مورد نظر فیلم‌ساز قرار بگیرد که یک قصه روان و ساده با قهرمانان مثبت داشته‌اند و از عمق معنایی برخوردار باشد.»

این استاد عکاسی گونه‌های ساختاری سینما را به سینمای داستانی و به خصوص انیمیشن‌ها که بخش زیادی از سینمای کودک جهان را به خود اختصاص داده تقسیم کرد و گفت: «یک نوع سینمایی که می‌تواند برای کودکان حائز اهمیت باشد، گونه سینمایی کامیک (مانند بتمن، اسپایدرمن و...) است که با توجه به قهرمان پروری که دارد، کودکان را جذب می‌کند.»

مخاطبان کارگاه‌های سی‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، در دومین روز این رویداد هنری در ۲۸ مهر مهمان درس‌گفتارهای دکتر شهاب‌الدین عادل، عکاس، مستندساز، پژوهشگر و استاد سینما و عکاسی در کارگاه «اصول زیباشناسی سینما برای نوجوانان» بودند. این مدرس دانشگاه، در آغاز سخنانش با ایجاد تمایز میان دو حوزه فیلم کودک و سینما برای کودکان، آن‌ها را دو مسئله جدا از هم عنوان کرد و گفت: «فیلم برای کودکان باید تمام ویژگی‌های آن درجه سنی را داشته باشد و بر رفتار و حرکات و حس کودک تأثیر بد نگذارد. اما در سینمای درباره کودک، بزرگسالان نیز مطرح هستند و پیرامون این موضوع را شکل می‌دهند.»

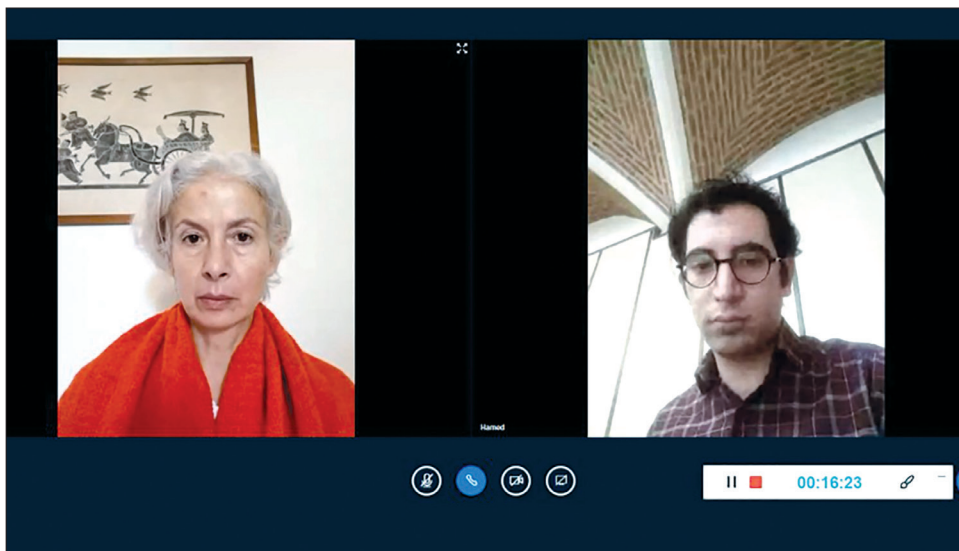
او با اشاره به ماهیت این دو حوزه در کشورهای توسعه‌یافته گفت: «سینما برای کودکان و نوجوانان در این کشورها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، چون به عنوان یک تکنولوژی، اقتصاد و فرهنگ شناخته می‌شود.»

این پژوهشگر سینما با اشاره به اینکه اگر کسی قصد فیلم‌سازی برای کودکان را دارد، باید از روان‌شناسی و روانکاوی کودک آگاهی



راز چشم‌های شما!

آثاری در کارگاه تکنیک‌های بازیگری: مهم است که بخواهید بازیگر شوید و از کارتان لذت ببرید

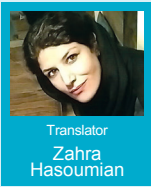


باید از درون احساس آرامش و شادی کنید، حتی اگر در حال بازی کردن یک صحنه تراجیک هستید. این لحظه‌ای است که درکشیدن و احتیاجات ما نمایان می‌شود!» به گفته این استاد بازیگری «همه چیز به برقراری ارتباط قوی با کارگردان و اعضای گروه بستگی دارد، پس در چشم‌های هم نگاه کنید تا قدرت احساسات و تمرکز بر صحنه را دریابید.»

شکل می‌گیرد.» ردی با انگشت‌نهادن بر یکی از مهم‌ترین نکات بازیگری گفت: «احساسات شما از چشمانتان پیدا است، البته اگر از چشمانتان درست استفاده کنید. آن قدر که درون شما باید صریح و دقیق باشد، استفاده از ابزار بیرونی مدنظر نیست. شرایط آزاد و راحتی را برای خود ایجاد کنید تا بتوانید با نقش خود ارتباط بگیرید. به یاد داشته باشید که

در دومین روز سی‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان اصفهان، کارگاه تخصصی «تکنیک‌های بازیگری معاصر در فیلم‌های کودکان و نوجوانان» با تدریس «آنا ردی» از بازیگران تئاتر و سینمای ایتالیا، ظهر ۲۸ مهر به صورت آنلاین برگزار شد. آنا ردی درس‌گفتارش را با گفتن اینکه ایران را دوست دارد و گفت‌وگو با مخاطبان ایرانی برایش جالب است، آغاز کرد و گفت: «من ایران را به خاطر وجود کارگردانان بزرگی مانند اصغر فرهادی تحسین می‌کنم. شما فرهنگی بسیار غنی در کشورتان دارید.» او به مخاطبان فارسی‌زبانش پیشنهاد کرد تا روی زبان بدنشان مثل نفس کشیدن، رهاکردن و تمرینات آرامشی کار کنند، چراکه «این‌گونه می‌توانید بدن و عواطف‌تان را در مقابل دیگران به کار بگیرید تا ضمن آنکه به بیان شخصی می‌رسید، حرف اصلی و اندیشه خودتان را ابراز کنید.» بنابراین به گفته ردی «باید دقیق باشید، زیاد تمرین کنید و سؤال بپرسید.»

او گفت: «من به بازیگر پینوکیو در فیلم ماتئو گارونائین کمک کردم تا از میان پنج هزار کودک انتخاب شود، چون دوست داشت که بازیگر شود. پس واقعا مهم است که بخواهید بازیگر شوید و از کارتان لذت ببرید.» به نظر این استاد بازیگری «باید بدانید انتخاب این موقعیت، به عنوان حرفه اصلی زندگی‌تان سخت و دشوار است.» تکنیکی که او به همه بازیگران پیشنهاد می‌دهد این است که «تلاش کنید تا بدنتان منعطف‌تر شود. تفکر و نگاه کردن به شما آزادی عمل می‌دهد و همه این موارد از دید، نگاه و شخصیت خودتان



Translator
 Zahra
 Hasoumian

A Totally Different Edition of ICFF

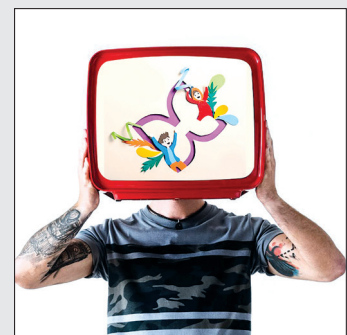
The head of the international section at the 33rd ICFF pointed to the different edition of the festival. He said, "The films at the international section have been selected from different countries following international transactions on international online markets." Raed Faridzadeh, pointed to the variety of cultural approaches taken at this edition of the festival. He stated, "Films from 27 different countries will be judged at the international section of this edition of the ICFF." Faridzadeh added, "The international section of the festival includes feature films, animated feature films, and short animated films. The jury board includes members from Sweden, France, Afghanistan, and Iran. Moreover, jury members from Kazakhstan, Latvia, and Iran will judge the short films." The head of the international section at the 33rd ICFF stated, "Twelve feature films and twenty short films from

countries such as, Russia, Germany, Norway, Denmark, France, Belgium, Sweden, Estonia, Finland, Portugal, Italy, Spain, the Philippines, Luxembourg, the Czech Republic, India, Kazakhstan, and Norway. This edition of the festival has attracted a lot of different countries." He added, "The main themes of the international competition section are friendship, peace, protecting the environment, using imagination, fighting racism, honesty, and attention to the family." Referring to the COVID-19 section at the 33rd ICFF, Faridzadeh mentioned, "Films from Germany, Serbia, Japan, Croatia, Slovenia, Bulgaria, the UK, and France have been selected to take part at the COVID-19 section. Moreover, the 33rd ICFF has allocated a section to review the selected films at India's Smile International Film Festival for Children and Youth." He emphasized, "The joint conferences will include virtual

meetings with representatives from Serbia, Pakistan, Armenia, and India. The CIFEJ jury board includes members from Argentina, India, and Iran. Moreover, we have seven international and six national workshops in this edition of the festival and some interesting topics will be presented from England, India, Italy Kazakhstan and France." Since a lot of international film festivals have been virtually held amid the COVID-19 pandemic, Faridzadeh added, "Most of the prominent international film festivals have been virtually held. The 33rd ICFF is being virtually held as well, and this is the main difference we observe between this edition and the previous editions of the festival." He added "The films of the competition section will not be screened on platforms and the jury members will receive links for judging these films.



The guide for holding the 33rd International Film Festival for Children and Youth, Virtually



The guide for holding the 33rd International Film Festival for Children and Youth virtually has been published. According to this news, 107 films from different parts of the festival, will be screened, during 6 days on three different platforms: "Namava" (www.namava.ir), "Filimo" (www.filimo.com), "tiva" (www.tva.tv), according to the schedule. Also, virtual programs' screening (Parvaneh Show-Isfahan, producers' press conference, celebrations, opening, and closing ceremony) will be available on the "Tiva" platform (www.tva.tv) during the festival. The filmmaking Olympiad will be presented on the Adobe Connect platform and the opening ceremony of the Olympiad will be presented on the "Tva" platform (www.tva.tv) and the training workshops will be broadcasted on the "Tva" platform (www.tva.tv). The festival's video library will also be available on the Hashure platform (<https://hashure.com>) only to audiences who have already registered to see the works.